

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی ؛ ص ۸۴۸

تحلیل اهداف علوم انسانی قرآن بنیان\*

ثریا قطبی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد

sghotbi@shahed.ac.ir

سمیه سادات حسینی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد

taban.h.86@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر سعی داشته است تا چگونگی علوم انسانی قرآن بنیان را مورد مذاقه قرار داده و اهداف آن را تحلیل کند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. با توجه به تفاوت مبانی فلسفی علوم انسانی قرآن بنیان و علوم انسانی برگرفته از مکاتب بشری و نیز وجود اختلاف در منابع معرفتی، عقل‌گرایی افراطی و نوع نگاه به انسان می‌توان اهداف علوم انسانی قرآن بنیان را رسیدن بشر به کمال نهایی، شکوفایی استعدادها، رفع معضلات فردی و اجتماعی و در نهایت تحقق نظام آرمانی و تمدنی اسلام دانست. یکی از مهم‌ترین گام‌ها در جهت تحقق این اهداف اجتناب از سطحی‌نگری و توجه به نظام ارزشی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است.

واژگان کلیدی: قرآن، علوم انسانی، اهداف غایی، اهداف میانی، زندگی معنادار.

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۴۹

طرح مسئله

علوم انسانی به دلیل جایگاه حساسی که در تعالی و رشد انسان دارد همواره در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته است. در دنیای امروز که عمر بحث‌های علمی و نظریه‌های آن کوتاه شده تمام کسانی که به دنبال تحول در علوم انسانی هستند آن را در بازخوانی اهداف این علم جست‌وجو می‌کنند. اهداف علوم انسانی غربی، برگرفته از رویکردهای تجربی و حس‌گرایی حاکم بر جامعه غرب است و تحقق آن تأمین‌کننده نیازهای معنوی کنونی بشر نمی‌باشد.

تحول در علوم انسانی و تحلیل اهداف آن در راستای پاسخگویی به نیازهای حال و آینده جامعه بشری و ارائه الگوی کارآمد در مواجهه با چالش‌های فکری و تحولات گسترده اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نقش هویت‌سازی و توسعه‌ای علوم انسانی در سطح ملی و بین‌المللی اهمیت توجه بیشتر به این علم را آشکار می‌کند. از این‌رو تحول در علوم انسانی از دغدغه‌های راهبردی بعد از انقلاب اسلامی بوده است.

هرچند تاکنون کوشش‌هایی با ارزش‌های معرفت‌شناختی و ایجاد جریان‌های فرهنگی در این عرصه انجام پذیرفته ولی غالباً بر مبنای نظری مدونی استوار نبوده و به صورت جزیره‌ای انجام شده و تا رسیدن به نقطه مطلوب و سامان‌یافتن یک نظریه کلان که بتواند تمامی شاخه‌های علوم انسانی اسلامی را در بر گیرد فاصله زیادی وجود دارد.

از این روی پژوهش حاضر بر آن است که باگذاری انتقادی و کلی از اهداف علوم انسانی موجود اهداف علوم انسانی قرآن‌بنیان را پیشنهاد دهد.

#### روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش تحلیل مفهومی است که با هدف تعمیق دانش و دستیابی به تفسیر عینی قابل دفاع از اهداف علوم انسانی قرآن‌بنیان و ارائه الگوی مقدماتی مبتنی بر این اهداف انجام شده است.

با توجه به هدف اساسی تحقیق که تحلیل اهداف علوم انسانی قرآن بنیان است، در مرتبه نخست دستیابی به تفسیر دقیق از اصطلاح علوم انسانی قرآن بنیان و در مرتبه دوم شناسایی اهداف علوم انسانی قرآن بنیان مد نظر بوده است. گام‌های انجام پژوهش عبارت است:

الف) نخست ساختار مفهومی علوم انسانی مورد توجه قرار گرفت و نقش دین در علوم انسانی تعیین گردید.

ب) سپس اهداف علوم انسانی موجود بررسی شد.

ج) آنگاه اهداف علوم انسانی قرآن بنیان مورد استنتاج قرار گرفت.

یافته‌ها

۳-۱- ساختار مفهومی علوم انسانی اسلامی

الف) مفهوم‌شناسی علوم انسانی

با توجه به وجود تعاریف متعددی از علم و رشته علمی ارائه تعریف دقیق از علوم انسانی دشوار است. این دشواری زمانی افزوده می‌شود که بدانیم در تعریف علم به عنوان مجموعه مسائلی که حول یک محور واحد است رویکردهای متعددی از جمله رویکردهای مبتنی بر موضوع، غایت، مسئله و روش وجود دارد و هر یک از این رویکردها نیز با توجه به دیدگاه تعریف کننده دارای تفاوت است. دیدگاه

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۰

معرفت شناسانه فرد در تعریف علوم انسانی تا آنجا دخالت دارد که می‌تواند علوم انسانی را به دلیل غیر تجربی بودن از حیطه علم ساقط نماید (شریفی، ۱۳۹۵: ۸۴). همچنین نادیده گرفتن بعد توصیه‌ای و تجویزی علوم انسانی و لزوم عینیت و توصیف روابط میان پدیده‌ها در اطلاق علم موجب سردرگمی در ارائه تعریف دقیق از علوم انسانی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد تعاریف علوم انسانی را می‌توان در دو دسته جای داد؛ یک، تعریف عام: علوم انسانی، علمی است که به مطالعه انسان می‌پردازد؛ اعم از این که با روش تجربی یا عقلی یا نقلی یا شهودی به دست آید. علوم انسانی فلسفی، شهودی‌عرفانی، نقلی-دینی و تجربی در این تعریف جای دارند. دو، تعریف خاص: علوم انسانی، علمی است که با روش عقلی و تجربی، درصدد شناختن افعال انسانی است؛ اعم از این که این افعال، فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه باشند. علوم انسانی در این تعریف، معارفی هستند که موضوع تحقیق آنها فعالیت‌های مختلف بشر است؛ یعنی فعالیت‌هایی که متضمن روابط افراد با یکدیگر و روابط این افراد با اشیا و نیز آثار، نهادها و مناسبات ناشی از این‌هاست. (فروند، ۱۳۶۲: ۳) به نظر می‌رسد در این تعریف تنها به برخی از روابط انسانی اشاره شده و از این جهت دچار کاستی است زیرا علوم انسانی مربوط به انسان یا واقعیت انسانی است و باید تمامی ساحت‌های وجودی انسان را مورد توجه قرار دهد (دیلتای، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

برخی دیگر علوم انسانی را دانش‌هایی دانسته‌اند که دربردارنده گزاره‌های «توصیفی» («تکلیفی» و «تجویزی») ناظر به انسان، تظاهرات وجودی و رفتارهای فردی و جمعی باشد که به مطالعه خصلت‌ها و رفتارهای انسان در تمامی ابعاد پرداخته و در تربیت انسان و مدیریت جامعه به سوی کمال و سعادت آن، نقش اساسی دارند. به بیان دیگر علوم انسانی، علمی است که درباره کنش‌های انسان-اعم از فردی و اجتماعی- و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند (علی تبار به نقل از پارسانیا ۳۴: ۱۳۹۴)

البته باید توجه داشت برخی تعاریف علوم انسانی ناظر به تعریف مصداقی و برخی دیگر ناظر به تعریف کارکردی از علوم انسانی است. با توجه به ویژگی‌های علوم انسانی شامل وابستگی به فرهنگ، معناداری، اختیاری بودن، همسویی با نیازها، قرار گرفتن در موقعیت‌های زمانی و مکانی و تاثیرپذیری از پی‌آمدها نمی‌توان ادعا کرد که بتوان تعریف دقیق جامع و واقع‌بینانه از علوم انسانی ارائه داد. اما از میان تعاریف علوم انسانی تعریف «علم توصیف، تبیین، تفسیر و پیش‌بینی و نهایتاً تقویت، اصلاح و تغییر کنش‌های انسانی» دقیق‌تر از بقیه تعاریف به نظر می‌رسد زیرا اولاً ناظر به دانش‌هایی است که به صورت گزاره‌ای در علوم انسانی مطرح شده و ثانیاً به چرایی وقوع پدیده‌ها پرداخته و تحلیل علی، تفسیری و کارکردی علوم انسانی را مد نظر قرار داده و ثالثاً کنش‌های ظاهری و حالات درونی و نهفته انسان و مقدمات ایجاد آن را مورد توجه قرار داده است.

اطلاق علم در این تعریف موجب می‌شود که علومی همچون فلسفه و الهیات را که به بحث از احکام کلی هستی می‌پردازند را به دلیل در بر گرفتن قوانین کلی حاکم بر مصادیق جزئی شامل شود. هرچند در این تعریف موضوع، غایت، هدف، روش و کارکردهای علوم انسانی مغفول مانده است (شریفی، ۱۳۹۵: ۸۹ و ۹۰)

ب) نقش دین در علوم انسانی

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۱

تأثیر باورهای دینی در علوم انسانی غیر قابل انکار است. به دیگر سخن هر نگاهی که به دین وجود داشته باشد در نوع جهت گیرها در حوزه علوم انسانی تأثیرگذار است. هر نوع داوری درباره دین، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم در نوع تلقی ما از علوم انسانی خواهد داشت. اگر اعتقاد به جدایی دین از دین و اجتماع وجود داشته باشد و مبنایی مبتنی بر نگاه حداقلی به دین و دخالت آن تنها در امور فردی و اخروی وجود داشته باشد کاهش تأثیر دین در امور اجتماعی و علمی را منجر شده و تحقق علوم انسانی اسلامی نیز با این نگاه تقریباً بی‌معنا، نامطلوب یا ناممکن خواهد بود. (علی تبار، ۱۳۹۴: ۴۲)) به تعبیر دیگر اعتقاد به محور بودن انسان در جهان هستی، علم پرستی، اعتقاد به بسندگی عقل، نسبی‌انگاری حقیقت و واقعیت، سنت ستیزی و تجددگرایی، فردگرایی ریشه در وجود باورهای مادی‌گرایانه در علوم انسانی دارد (علی تبار به نقل از ویلسون، ۱۳۹۴: ۳۴) همچنین اعتقاد به جدایی دین از دنیا و انفکاک قلمرو دینی از قلمرو دنیوی خاستگاه سکولاریسم داشته و منجر به حذف دین از عرصه علوم انسانی خواهد شد.

در پاسخ به چیستی علوم دینی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ عده‌ای می‌گویند منظور از علوم اسلامی، علمی است که در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی تکون و توسعه یافته باشد؛ برخی معتقدند علمی که هدف آن، تبیین کتاب و سنت باشد، علم دینی است؛ گروهی قائل‌اند اگر مسائل علم در چارچوب جهان‌بینی اسلامی تفسیر شوند، آن علم دینی و اسلامی است؛ کسانی می‌گویند علمی که در خداشناسی

و رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی اسلامی مؤثر باشد، دینی است (گلشنی، ۱۳۷۷: ۱۲۸) و برخی علم دینی را علمی می‌دانند که نخست پیش فرض‌های متافیزیکی علم از جهان‌بینی دینی متأثر باشد و دوم در جهت‌گیری و کاربردهای علم مؤثر باشد (همان، ۱۵۱). بنابر تعاریف فوق می‌توان گفت مراد از علم دینی علمی مبتنی بر آموزه‌های دین و نافع در وصول انسان به هدف غایی زندگی و پاسخگو به نیازها و برطرف کننده معضلات موجود در جامعه است.

### ۳-۲- اهداف علوم انسانی

در بیان اهداف علوم انسانی باید دانست که «هدف» چیزی است که کنش‌گر فعل اختیاری خود را برای وصول به آن انجام می‌دهد. البته هدف خود می‌تواند معلول اهداف مختلف دیگری باشد. از نظر فلسفی و روان‌شناسی هدف نهایی همه کنش‌های انسانی «حب ذات» است. «حب ذات» موجب می‌شود همه کنش‌های انسانی با انگیزه نشان دادن توانمندی‌ها و رفع نقص به منصفه ظهور برسد (شریفی به نقل از مصباح، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

در بیان اهداف علوم انسانی توجه به این مقدمه ضروری است که علوم انسانی جدید که در غرب گسترده شده، دارای ماهیتی نامعلوم و مشکوک است و به سبب ترسیم تصویر نادرست از انسان هدف واقعی خود را گم کرده است. درحقیقت آنچه امروزه در غرب به عنوان علم شناخته می‌شود، ملغمه‌های از عناصر فلسفی و شناخت‌شناسی یونان، مبانی تعلیم و تربیت و اخلاق و زیباشناختی روم، عناصر قانونی و سیاستمداری و حکمرانی یهودیت و مسیحیت، عناصر ایمان دینی اقوام آلمانی و غیره می‌باشد که امروزه در مغرب زمین به اوج خود رسیده است. (خسروپناه به نقل از عطاس، ۱۳۹۲: ۸۴) به طور نمونه نیچه معتقد است انسان آن هنگام انسان است که به حیوانیت او توجه شود و عقل و نطق نیز باید در خدمت حیوانیت بشر و ارضای نیازهای حیوانی او باشد.

مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۲

ارزشها و جهان‌بینی برآمده از تمدن غربی، ثبات و استقرار نداشته و دائماً در حال تجدیدنظر است. ارزشهای مطلق انکارشده و ارزشهای نسبی مورد تصدیق قرار گرفته است. دانش تا آنجا معتبر است که

رخدادهای طبیعی و ارتباط آنها با یکدیگر را تفسیر کند و هدفش، توصیف و سازماندهی هر آن چیزی است که در طبیعت رخ می دهد و تنها نیروهای طبیعی منشأ و واقعیات مورد پذیرش و جست و جو هستند. این امر باعث بروز تنشها و تضادهایی درونی و البته سرنوشت ساز در روح انسان غربی شده و حاصل این تضادهای بی پاسخ، دوگانگی های عمیق در وجود انسان امروزی غربی است. آنچه ذات تشنه انسان غربی می جوید حقیقتاً به دست نمی آید و آنچه کشف می شود هرگز واقعا او را قانع نمی کند. (همان)

هدف اول علوم انسانی ایجاد معناگرایی در زندگی است هرچند بسیاری از اندیشمندان غربی علوم انسانی را با این هدف تولید نمودند ولی به علت فقدان دو منبع عظیم قرآن کریم و سنت نتوانسته اند به آنچه مورد نظرشان بوده است برسند. برای مثال «هایدگر» در آثار خود نشان می دهد که «وجودشناسی» بنیادی برای او شرط اساسی تعریف معنای کل هستی و از جمله معنای زندگی انسانی است. انتقاد او نسبت به دنیای غرب زده اکنون این است که در آن خدایان وجود ندارند و این موجب رخت بر بستن معنای زندگی انسان مدرن شده و انسداد عالم تعالی و سعادت حقیقی را در پی دارد (پروتی، ۱۳۷۳: ۱۳۶ و ۱۳۷) بنابراین هرچند اندیشمندانی مانند «هایدگر» به خسران نبودن خدا در دنیای غرب پی برده است ولیکن ایشان و دیگران به دلیل محرومیت از کتاب کریم و سنت آل البیت (ع) در ارائه تئوری خویش موفق نشدند زیرا عدم توجه کافی «هایدگر» به خداوند به عنوان عنصر معنادهنده به زندگی، او را در نظریه معنی داری زندگی عقیم گذاشته است.

هدف دوم علوم تولید نظریه و تئوری و براساس آن تدبیر و بهسازی وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، امنیتی دانست. این هدف غالباً با توجه به جنبه های مادی و دنیوی انسان شکل می گیرد.

هدف سوم علوم انسانی کمی سازی رفتار انسان است. علوم انسانی مدرن به خصوص علوم دقیقه و علوم کاربردی علاوه بر کمی سازی رفتار انسان تلاش می کنند تا برای تغییر رفتار انسان یا رفتار اجتماعی معادله ارائه دهند، این معادلات غالباً مبتنی بر مبانی و غایات غرب است و «انگیزه های نا صواب آنها» با

«انگیخته» ترکیب شده است. علوم انسانی مدرن، علمی حامل مبانی و ارزشهای غربی هستند و توجهی به وجود همه‌جانبه انسان ندارند.

هدف چهارم علوم انسانی توسعه آگاهی‌ها است. به تعبیر دیگر می‌توان گسترش دانش را هدف عام علوم انسانی دانست.

هدف پنجم علوم انسانی مشاهده و درک الگوهای کلی رویدادها و روابط بین آنها است.

هدف ششم علوم انسانی فهم اعتبارات، معانی و انگیزه‌های نهفته در کنش‌های مختلف انسان می‌باشد. این هدف موجب پیش‌بینی رفتارهای انسان شده تصرف مهار، اصلاح، هدایت و جهت دهی آن را ممکن می‌سازد.

هر یک از اهداف چهارگانه‌گانه فوق می‌تواند با انگیزه کسب سود، بدست آوردن قدرت و رسیدن به رفاه و کسب لذت باشد. اهداف زمینی که در همین دنیا محقق می‌شود.

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۳

### ۳-۳- اهداف علوم انسانی قرآن بنیان

علوم انسانی قرآن بنیان دارای هویتی و حیانی است و به انسان در این علوم به عنوان محور تعالی و نه محور توسعه نگریسته می‌شود. ریشه‌های معرفت‌شناختی علوم انسانی قرآن بنیان روش ترکیبی از حسی، عقلی و شهودی ذیل ولایت وحی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۲۲/۱) و حیانی بودن این منبع سبب می‌شود که در تولید علوم انسانی تنها آراء و نظریه‌ها در جهت محقق شدن اهداف دنیوی تولید نشوند.

با توجه به آنچه گفته شد اهداف علوم انسانی قرآن بنیان را می‌توان در دو هدف غایت مدارانه و شش هدف میانی بر شمرد:

### ۳-۳-۱- اهداف غایت مدارانه علوم انسانی قرآن بنیان

اهداف غایت مدارانه علوم انسانی قرآن بنیان شامل قرار گرفتن انسان در مسیر کمال و سعادت و تقرب به خداوند است.

#### الف) قرار گرفتن انسان در مسیر کمال و سعادت

از آنجا که انسان با مرگ نابود نمی‌شود و اعمال او در این دنیا در کیفیت زندگی اخروی او تاثیرگذار است نمی‌تواند نسبت به آخرت بی‌اعتنا باشد و باید اعمالش را چنان تنظیم و طرح‌ریزی کند تا علاوه بر سعادت دنیوی، به سعادت اخروی نایل گردد. به‌ویژه اینکه زندگی اخروی، برخلاف زندگی دنیوی، حیاتی جاودانه و ابدی است. خداوند زندگی آخرت را در آیه ۱۷ سوره اعلی «والاخره خیر و ابقی» بهتر و پایدارتر معرفی کرده و در سوره قصص آیه ۶۰ «وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» تاکید می‌کند که «آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی‌کنید» و در سوره نساء آیه ۷۷ «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَى» صریحا متاع دنیوی را در مقایسه با آخرت اندک معرفی می‌فرماید.

بنابراین هدف علوم انسانی قرآن بنیان قرار گرفتن انسان در مسیری است که سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند از این رو بی‌اهمیت بودن به حیات اخروی و توجه به دنیا و زینت آن شقاوت جاودانه را برای انسان در پی خواهد داشت البته توجه به حیات اخروی به معنای بی‌توجهی به زندگی در دنیا نیست بلکه بدین معناست که به هنگام وجود تعارض بین سعادت دنیوی و اخروی بر خلاف دیدگاه انسان‌های مادی‌گرا که سعادت خود را در بهره‌برداری هر چه بیشتر از اندوخته‌های مادی می‌بینند، سعادت آخرتی خود را بر سعادت دنیوی خویش برتری دهد.

#### ب) تقرب به خداوند

انسان از آنجاکه خود را دوست دارد، سعادت و کمالی را می‌طلبد که بی‌نهایت، ابدی و مطلق باشد. بنابراین هدف علوم انسانی قرآن بنیان حرکت به سوی کمال نهایی و کمال مطلق انسانی است.

اما طبق مبانی هستی‌شناختی برگرفته از منابع عقل و وحی مصداق حقیقی کمال مطلق «ذات خداوند» باری تعالی است و از این رو انسان که کمال مطلق را می‌طلبد، در حقیقت وصول و نزدیکی به خداوند

متعال را طالب است. بدین خاطر علامه، به عنوان یک متفکر اسلامی، تقرب الهی را غایت قصوای حرکت تکاملی انسان معرفی می کنند. (ساجدی: ۱۳۹۵ / ۱۸۴) انسان از آنجاکه مخلوق خداوند تعالی است و در سیر تکاملی خود رو به سوی او دارد، باید همه توجه خود را معطوف به هدف نزدیکی به خداوند

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۴

کند و اهداف دیگر خود را در راستای این هدف نهایی قرار دهد. البته این قرب در سایه بندگی خداوند به وقوع می پیوندد و در علوم انسانی قرآن بنیان هدف تقرب خدا با عبودیت خداوند همراه است.

۳-۲- اهداف میانی علوم انسانی قرآن بنیان

اهداف میانی علوم انسانی قرآن بنیان شامل رشد بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان، کیفی سازی رفتار انسان در جهت کسب رضای خداوند، تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران، تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس، حاکم کردن بینش توحیدی در عرصه های زندگی فردی و اجتماعی و رفاه و پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه است.

رشد بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان

خداوند انسان را آفرید و از روح خود بر آن دمید. سخن خداوند «إِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَاقْبَلُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۷۲) «پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم در برابر او به سجده در افتید» بیانگر این واقعیت است که انسان گرچه از نظر «بعد مادی» از «خاک تیره» و یا از «آب بی مقداری» آفریده شده اما در «بعد معنوی و روحانی» حامل «روح الهی» است.

هدف علوم انسانی قرآن بنیان توجه به بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان علاوه بر بعد جسمانی او است. در بعد شناختی باید توجه داشت که «علم» یکی دیگر از واژه های مهم در قوای شناختی انسان است. «علم» به مجموعه ای از معلومات و دانش هایی اشاره دارد که به صورت اکتسابی و از طریق مجرای حواس پنج گانه و یا حضوری و خارج از مجاری مادی وارد ذهن و عقل انسان می شود. (زارع و

نیک صفت، ۱۳۹۰: ۷۲) در روایات «العلم مصباح العقل»، «العلم نعم الدليل»، «العلم أشرف الأحساب»، «العلم ضالّة المؤمن»، «لا كنز أنفع من العلم» و «لا شرف كالعلم» (ری شهری، ۱۳۸۸: ۲ / ۸۷۲) این نکته آشکار می‌کند که دانش، چراغ خرد است، راهنمایی نیکو، شریفترین شرافت خانوادگی و گمشده مؤمن است و هیچ گنجی، سودمندتر از دانش و هیچ شرافتی مانند آن نیست. تا آنجا که امام علی (علیه السلام) دانش را «حیات» معرفی نموده و می‌فرماید «العلم حیاة» (همان).

در اهداف علوم انسانی قرآن بنیان توجه به این نکته حائز اهمیت است که بر اساس روایات معصومین (ع) باید نتیجه علم خالص گردانیدن عمل برای خداوند، عمل نیکو، بیم از پروردگار، آرامش و بردباری باشد. سخنان امام علی (ع) «تَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ» (ری شهری، ۲: ۱۳۸۸ / ۸۷۳)، «غَايَةُ الْعِلْمِ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (ری شهری: ۱۴۳۲ / ۵۷) غَايَةُ الْعِلْمِ حُسْنُ الْعَمَلِ» (ری شهری: ۱۴۳۲ / ۶۱) و «غَايَةُ الْعِلْمِ السَّكِينَةُ وَالْحِلْمُ» (ری شهری، ۱۴۳۲، ۶۱۰) ناظر به این مهم است. به دیگر سخن اگر خروجی علوم انسانی باعث آن نشد که انسان عمل خود را برای خداوند خالص گرداند و عمل نیکو انجام دهد و از گناه پرهیز نموده و به آرامش و بردباری برسد به اهداف علوم انسانی قرآن بنیان نائل نشده است.

بنا بر آموزه‌های قرآنی یکی از واژه‌های مهم در قوای شناختی انسان «قلب» است که کاربرد آن در قرآن با قلب مادی تفاوت بوده و ناظر به جنبه‌های روانی، اخلاقی و معنوی انسان است. زندگی انسان در نخستین مرحله‌اش به قلب تعلق می‌گیرد و در آخرین مراحل نیز از قلب جدا می‌شود. بر این اساس، آیات فراوانی وجود دارد که در آنها «حیات و ممات» (محمد / ۲۰)، «بیماری و مرض» (بقره / ۱۰)، «صحّت و سلامت» (شعراء / ۹۸) به قلب نسبت داده شده است. علاوه بر وظیفه اصلی حیات قلب، بیشترین کاربردهای قلب در قرآن، ویژگی‌های احساسی، عاطفی و هیجانی است. این بعد از ابعاد وجودی انسان، او

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۵

را برای انجام کاری، تشویق یا برای ترک عملی، ترغیب و تحریک می‌کند. (زارع و نیک صفت: ۱۳۹۰ /

امام صادق (علیه السلام) قلب را به عنوان حرم خدا معرفی کرده و می‌فرماید «القلب حَرَمُ اللَّهِ، فلا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ» (ری شهری، ۱: ۱۳۸۸ / ۲۹۱) علامه طباطبایی، آثار و خواصی مانند

راده، عشق، نفرت، بیم، امید، خوف، رجا، میل، علاقه، لذت، شادی از جمله مفاهیمی‌اند که به عنوان مفاهیم عاطفی و کاربردهای محتوایی قلب در انسان به آنها اشاره شده است. (زارع و نیک صفت به نقل از طباطبایی: ۱۳۹۰ / ۷۵)

در اهداف علوم انسانی قرآن‌بنیان در بعد عقلانی جالب آن است که بدانیم انسان هم در «مستقلات عقلیه» که موضوعاتی است که عقل قادر به فهم آن است و هم در «غیرمستقلات عقلیه» که عقل قادر به درک و فهم آن نیست به قرآن نیازمند است. درک درست از مفاهیم آیات قرآن نشان می‌دهد که انسان حتی در معرفت به خودش نیز به قرآن نیازمند است. سخن خداوند «وَتَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» (ق/ ۱۶) بیانگر آن است که خداوند به عنوان خالق انسان از شاهرگ آدمی به او نزدیک‌تر است و از وسوسه‌های نفس او آگاهی دارد.

توجه به چنین دلالتی نشان می‌دهد که انسان در شناسایی صحیح مقصد و اختیار مسیر نیز به قرآن نیازمند است و بدون استعانت از قرآن نمی‌تواند هدف و مقصد نهایی خود را بشناسد. افزون بر آن عقل به تنهایی و بدون استعانت از قرآن قادر به شناخت اسوه‌های حیات نیست از همین روی خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب رسول خدا (ص) را برای کسانی که به خدا و روز قیامت امیدوار باشند و خدا را بسیار یاد کنند، الگوی نیکو معرفی نموده و می‌فرماید «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».

کیفی‌سازی رفتار انسان در جهت کسب رضای خداوند

انسان در خود، کشش‌های متعددی می‌یابد که جهت‌گیری برخی به سوی کمال و برخی دیگر به سوی سقوط و انحطاط بشر به سوی پلیدی‌هاست. آدمی برای آن که راه خودشکوفایی را در پیش گیرد و در جهت هدف آفرینش خویش گام بردارد، باید گرایش‌های متنوع و متضاد در وجود خویش را به خوبی شناخته و آن را در جهت کسب رضای خداوند قرار دهد و با مراقبت از خواسته‌ها و رفتارها خود را از گرفتار شدن در چنگال هوای نفس و رفتارهای ناصواب برهاند. رسالت علوم انسانی قرآن‌بنیان

کیفی سازی رفتار انسان تا وصول او به انسان مطلوب و به دست آوردن حیات طیبه است. در سخن خداوند «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

(توبه/ ۷۲) پروردگار به مردان و زنان مؤمن، بهشت‌هایی وعده داده که در آنها جویبارها روان است و در آنها جاویدانند، و سراهایی پاکیزه را در بهشت‌های جاودان، و خشنودی خدا، بزرگ‌تر است. این است همان کامیابی بزرگ».

تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران

در علوم انسانی قرآن بنیان باید گزاره‌های دینی را در قرآن سنت عقل و اجماع و در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران شناسایی و تحلیل کرد و براساس آن الگویی از

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۶

ساحت‌های وجودی انسان را ترسیم نموده و قوانین حاکم بر او را کشف کرد، بر پایه آنچه گفته شد که هدف غایی علوم انسانی اسلامی قرار گرفتن بشر در مسیر کمال و سعادت در تمامی شئون حیات انسانی - اعم از فردی، اجتماعی، خانوادگی و در ابعاد دنیوی و اخروی است باید دریافت که دسترسی به این هدف در گرو تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران است. (علی تبار، ۱۳۹۴: ۴۳)

تقویت ایمان، تهذیب و تزکیه نفس

تقویت ایمان، تزکیه نفس و پاک‌سازی درون از اخلاق ناپسند، یکی از مهمترین اهداف میانی علوم انسانی قرآن بنیان محسوب می‌شود. تزکیه نفس، رشد انسان را در کلیه ابعاد اعم از معرفتی، اعتقادی و اخلاقی بدنبال دارد و غفلت از آن مانعی بر سر راه رسیدن به کمال و سدی در مقابل دریافت برکات معنوی و مادی الهی محسوب می‌گردد. در علوم انسانی قرآن بنیان زدودن حجاب‌های گناه و رذایل اخلاقی با پاک‌سازی نفس، محاسبه، مراقبه، زدودن دل از خواهش‌های نفسانی و صفات ناپسند و تحکیم

باورهای دینی و اهتمام به معرفت خداوند جایگاه مهمی دارد و انسان را به سوی کمال و تعالی سوق می‌دهد.

تزکیه از ریشه «زکو» در لغت به معانی گوناگونی به کار رفته است از جمله: پیراستن، تطهیر، نمو، رشد، افزایش و پرورش دادن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴ / ۳۵۸) کلمه «تزکیه» مصدر باب تفعیل و ثلاثی مجرد آن «زکات» به معنای نمو صالح است، نموی که ملازم و خیر و برکت باشد. (طباطبائی، ۱۴۰۳: ۱۹ / ۴۴۷) این واژه در اصل دارای چند معنا است ولی متخصصان تعلیم و تربیت و علمای اخلاق و عرفان به یک بعد معنایی آن توجه کرده و آن را مترادف با واژگان «تربیت» یا «تهذیب» گرفته‌اند. این واژه هم حامل معنای پاک‌سازی و تطهیر از عیوب و نواقص، و هم دارای بار معنای رشد و فزونی است که علاوه بر عرصه‌های جسمانی سایر عرصه‌های وجودی آدمی را در بر می‌گیرد. تزکیه در عرفان پاک کردن درون از آلودگی‌ها و بیرون کردن دوستی دنیا از دل (شهیدی، ۱۳۶۲: ذیل مدخل تزکیه) و در اخلاق به معنای تطهیر و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی، به منظور گام برداشتن در جهت فضائل اخلاقی است که در نهایت موجب کمال و سعادت واقعی انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

صورت‌های گوناگون تزکیه در قرآن ناظر بر معنای عام دور ساختن غیرحق از حق و نیز ناپاکی از پاکی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل «زکو») که شامل پالودن نفس از گناه و خویهای ناپسند (شمس / ۹ و نور / ۲۱) و پالایش مال از چیزهای حرام و فاسد است (بقره / ۴۳، ۸۳، ۱۱۰؛ نساء / ۱۶۲؛ توبه / ۷۱) و در برخی موارد در معنای مدح بکار رفته (نجم / ۳۲؛ نساء / ۴۹) که مدح نفس همان پاکیزه نشان دادن آن است. (قرشی، بی تا: ۳ / ۱۶۹) قرآن تزکیه را نیز مانند سایر فضایل انسانی، لطفی الهی می‌داند که حصول آن، بدون اراده پروردگار ممکن نیست (نساء / ۴۹؛ نور / ۲۱) در کاربرد قرآنی، گاه تزکیه با خداوند و انبیاء (علیهم السلام) و به طور اخص با رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) و گاه با بندگان مرتبط است.

براساس آموزه‌های روایی، آلودگی نفس به عنوان مانعی برای انسان در راه رسیدن به کمال و سدی در مقابل دریافت برکات الهی اعم از معنوی و مادی است و در عوض تزکیه و طهارت نفس باعث جلب رحمت خداوند و قرار گرفتن در عرش ذات اقدس باری تعالی است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۷۵؛ مجلسی، ۱۳۹۷: ۲۹ / ۲۵۸)

در علوم انسانی قرآن بنیان بارور کردن استعدادها و رشد دادن فضایل و کرامات اخلاقی وجود انسان را

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۷

خدایی نموده و او را به کمال نزدیک می‌سازد و باعث می‌گردد انسان به مقصود نهایی خود که قرب الهی است نزدیک شود.

حاکم کردن بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی

بر اساس توحید در ربوبیت تشریحی، همه هستی از آن خداوند است و وحدت فرماندهی تنها شایسته ذات اقدس الهی است. هر قانون باید به پشتوانه امضای الهی و اجازه الهی رسمیت یابد و هیچ کس در این عالم به صورت بالاصاله متصدی کار تدبیر عالم نیست.

هدف علوم انسانی قرآن بنیان ایجاد آگاهی و ایجاد گرایش در جهت حاکمیت بینش توحیدی در تمامی عرصه‌های زندگی است. به علت ارتباط میان بینش و گرایش‌ها بینش را می‌توان مقدمه‌ای بر گرایش دانست به دیگر سخن تا شناخت توحیدی نباشد گرایش به حاکمیت بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی ایجاد نمی‌شود لذا زمانی که شناخت و گرایش تومانی وجود داشته باشد می‌توان به هدف علوم انسانی قرآن بنیان که حاکمیت بینش توحیدی است دست یافت. سخن خداوند «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید / ۳) «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست» و نیز «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان / ۲۲) «و هر کس خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ‌زده و فرجام کارها به سوی خداست» و نیز سخن خداوند «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» در سوره بقره آیه ۲۱۰ و عمران آیه ۱۰۹ همگی نشان از این بینش توحیدی دارد.

رفاه و پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه

بی‌تردید بدن مادی اقتضائات مادی و روح مجرد دارای اقتضائات متناسب با خود است. انسان به دلیل داشتن زندگی مادی و جسمانی، نیازمند امکانات مادی برای امرار معاش و گذران زندگی است که بدون

برخورداری از حداقل‌هایی از امکانات رفاهی مادی، نمی‌توان حصول کمالات معنوی و متعالی را نیز در مورد او امید داشت. بنابراین هدف علوم انسانی قرآن بنیان توجه به هر دو جنبه انسان شامل برخورداری از امکانات رفاهی مادی و اقتضائات روحی و معنوی به طور تومانی است.

در علوم انسانی قرآن بنیان علم نقش اول را در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. سخن معصوم (ع) «خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ، وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ» نشان می‌دهد که خیر دنیا و آخرت، با علم تأمین می‌شود؛ و شر دنیا و آخرت آمیخته جهل است. همچنین روایت «لَا فِقْرَ مَعَ حُسْنِ تَدْبِيرٍ» حاکی از آن است که اگر تدبیر نیکو باشد، فقر وجود نخواهد داشت افزون بر آن حدیث «سَوْءُ التَّدْبِيرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ» حاکی از آن است که برنامه ریزی نادرست، کلید فقر است.

البته باید توجه داشت که هدف علوم انسانی قرآن بنیان در رسیدن به رفاه و پیشرفت مادی و معنوی مقدمه‌ای برای رشد استعدادهای انسانی برای رسیدن به کمال مطلق است. با همین رویکرد هدف علوم انسانی قرآن بنیان را نیازمند تحقق رفاه فراگیر در جوامع است تا افراد آن قادر به ارتقای شاخصه‌های معنوی، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح گردند. سخن خداوند «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶) اشاره به این امر دارد که اگر مردم آبادی‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، خداوند برکات را از آسمان و زمین بر آنان می‌گشود. همچنین قول خداوند «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۸

جَنَاتٍ وَ يَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/ ۱۲-۱۰) «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ که او همواره آمرزگار است \* تا آسمان رای بر شما بارنده فرستد \* و شما رای به مال‌ها و پسران یاری کند و به شما بوستان‌ها دهد و برایتان جوی‌ها پدید آورد.» ناظر به ارتباط میان بهره‌مندی‌های مادی و مولفه‌های معنوی است.

نتیجه‌گیری:

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۹

اهداف علوم انسانی موجود برگرفته از افکار مسلط بر جامعه غرب است و عنصر حس‌گرایی و تجربه‌گرایی بر آن غلبه دارد و پاسخگوی نیازهای امروز بشر نیست و نمی‌تواند انسان را به تعالی و سعادت دنیوی و اخروی برساند، ازاین‌رو باید مسیر تحول را در پی گیرد و با اتکاء به آموزه‌های وحیانی و ارزش‌های اسلامی اهداف خود را باز تولید نماید. تعیین اهداف علوم انسانی قرآن‌بنیان در هر سطح تحقیق حاجتمند نظریه‌پردازی و بنیان معرفت‌شناختی است و برای عملیاتی کردن آن بازخوانی و در پرتوی آن نظریه‌پردازی در عرصه علوم انسانی قرآن بنیان ضرورتی انکارناپذیر است. بر پایه این ایده‌پردازی‌ها برنامه راهبردی و الگوی جامع علوم انسانی قرآن‌بنیان طراحی می‌شود. هرچند اهداف میانی

مانند رشد بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان، کیفی‌سازی رفتار انسان در جهت کسب رضای خداوند، تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران، تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس، حاکم کردن بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی و رفاه و پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه در علوم انسانی قرآن‌بنیان نقش حائز اهمیتی دارد اما همه آنها در راستای اهداف غایی قرار گرفتن انسان در مسیر کمال و سعادت و تقرب به خداوند معنای واقعی خود را پیدا می‌کند و رفتارها، کنش‌ها و علایق ما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. ترسیم نقشه جامع علوم انسانی

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۶۰

قرآن‌بنیان به سهولت ممکن نیست و نیازمند تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به علوم انسانی مبتنی بر آموزه‌های قرآن است شکل‌گیری نظام انسان‌شناسی و انسان‌بایسته و مطلوب، شکل‌گیری حیات طیبه و معقول و تحقق تمدن اسلامی بر پایه تولید

...

علوم انسانی قرآن بنیان شکل می گیرد.

پیشنهادها

۱. تدوین نقشه جامع علوم انسانی قرآن بنیان؛

۲. تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به علوم انسانی قرآن بنیان؛

۳. بهره مندی توامان از آموزه‌های قرآن و روایات معصومین (ع).

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۶۱

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد (۱۳۷۸)، عیون اخبارالرضا، چاپ مهدی لاجوردی، تهران.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵)، لسان العرب، نشر ادب حوزه، قم.

۳. پروتی، جیمز (۱۳۷۳)، الوهیت و هایدگر، ترجمه محمدرضا جوزی، تهران، انتشارات حکمت.

۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، فصلنامه اسراء، قم، مؤسسه بین المللی معارف و حیانی.

۴. شهیدی، جعفر، (۱۳۶۲) فرهنگ معارف اسلامی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.

۵. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۰۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت.

۶. فروند، ژولین، (۱۳۸۵)، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، مرکز نشر

دانشگاهی، تهران، چ سوم.

۷. قرشی، سید علی اکبر، بی تا)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۸. گلشنی، مهدی، (۱۳۷۷)، از علم سکولار تا علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.
۹. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۷)، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، منتخب میزان الحکمه، تلخیص حمید حسینی، مترجم حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث، قم.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۳۲)، العلم و الحکمه فی الكتاب و السنه، سازمان چاپ و نشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم.
۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران.

#### مقالات

۱. تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام، زارع، حسین؛ نیک صفت، ابراهیم (۱۳۹۰)، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۶.
۲. مبانی حکمی علم دینی از دیدگاه محمد نقیب العطاس حکمت و فلسفه، خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). «مجله حکمت و فلسفه، سال نهم، شماره ۲.
۳. مبانی دین شناختی علوم انسانی اسلامی و برآیند روش شناختی آن، علی تبار، رمضان (۱۳۹۴)، قبات، سال ۲۰، شماره ۷۶.
۴. ویژگی‌های موضوع علوم انسانی و دلالت‌های روش شناسانه و غایت شناسانه آنها، شریفی، احمدحسین (۱۳۹۵)، معرفت فلسفی، سال سیزدهم، شماره سوم،

۵. هدف علوم انسانی اسلامی از منظر علامه طباطبائی، ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، معرفت فلسفی، شماره ۵۳.<sup>۱</sup>

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی ؛ ص ۸۴۸

تحلیل اهداف علوم انسانی قرآن بنیان\*

ثریا قطبی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد

sghotbi@shahed.ac.ir

سمیه سادات حسینی

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه شاهد

taban.h.86@gmail.com

چکیده

---

<sup>۱</sup> کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی (۱۳۹۶: قم)، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ۱ جلد، جامعة المصطفی العالمیة - قم - ایران، چاپ: ۱.

پژوهش حاضر سعی داشته است تا چگونگی علوم انسانی قرآن بنیان را مورد مذاقه قرار داده و اهداف آن را تحلیل کند. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است. با توجه به تفاوت مبانی فلسفی علوم انسانی قرآن بنیان و علوم انسانی برگرفته از مکاتب بشری و نیز وجود اختلاف در منابع معرفتی، عقل‌گرایی افراطی و نوع نگاه به انسان می‌توان اهداف علوم انسانی قرآن بنیان را رسیدن بشر به کمال نهایی، شکوفایی استعدادها، رفع معضلات فردی و اجتماعی و در نهایت تحقق نظام آرمانی و تمدنی اسلام دانست. یکی از مهم‌ترین گام‌ها در جهت تحقق این اهداف اجتناب از سطحی‌نگری و توجه به نظام ارزشی مبتنی بر آموزه‌های وحیانی است.

واژگان کلیدی: قرآن، علوم انسانی، اهداف غایی، اهداف میانی، زندگی معنادار.

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۴۹

#### طرح مسئله

علوم انسانی به دلیل جایگاه حساسی که در تعالی و رشد انسان دارد همواره در کانون توجه اندیشمندان قرار گرفته است. در دنیای امروز که عمر بحث‌های علمی و نظریه‌های آن کوتاه شده تمام کسانی که به دنبال تحول در علوم انسانی هستند آن را در بازخوانی اهداف این علم جست‌وجو می‌کنند. اهداف علوم انسانی غربی، برگرفته از رویکردهای تجربی و حس‌گرایی حاکم بر جامعه غرب است و تحقق آن تامین‌کننده نیازهای معنوی کنونی بشر نمی‌باشد.

تحول در علوم انسانی و تحلیل اهداف آن در راستای پاسخگویی به نیازهای حال و آینده جامعه بشری و ارائه الگوی کارآمد در مواجهه با چالش‌های فکری و تحولات گسترده اجتماعی ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. نقش هویت‌سازی و توسعه‌ای علوم انسانی در سطح ملی و بین‌المللی اهمیت توجه بیشتر به این علم را آشکار می‌کند. از این رو تحول در علوم انسانی از دغدغه‌های راهبردی بعد از انقلاب اسلامی بوده است.

هرچند تاکنون کوشش‌هایی با ارزش‌های معرفت‌شناختی و ایجاد جریان‌های فرهنگی در این عرصه انجام پذیرفته ولی غالباً بر مبانی نظری مدونی استوار نبوده و به صورت جزیره‌ای انجام شده و تا

رسیدن به نقطه مطلوب و سامان یافتن یک نظریه کلان که بتواند تمامی شاخه‌های علوم انسانی اسلامی را در بر گیرد فاصله زیادی وجود دارد.

از این روی پژوهش حاضر بر آن است که باگذاری انتقادی و کلی از اهداف علوم انسانی موجود اهداف علوم انسانی قرآن‌بنیان را پیشنهاد دهد.

روش تحقیق

روش مورد استفاده در این تحقیق روش تحلیل مفهومی است که با هدف تعمیق دانش و دستیابی به تفسیر عینی قابل دفاع از اهداف علوم انسانی قرآن بنیان و ارائه الگوی مقدماتی مبتنی بر این اهداف انجام شده است.

با توجه به هدف اساسی تحقیق که تحلیل اهداف علوم انسانی قرآن بنیان است، در مرتبه نخست دستیابی به تفسیر دقیق از اصطلاح علوم انسانی قرآن بنیان و در مرتبه دوم شناسایی اهداف علوم انسانی قرآن بنیان مد نظر بوده است. گام‌های انجام پژوهش عبارت است:

الف) نخست ساختار مفهومی علوم انسانی مورد توجه قرار گرفت و نقش دین در علوم انسانی تعیین گردید.

ب) سپس اهداف علوم انسانی موجود بررسی شد.

ج) آنگاه اهداف علوم انسانی قرآن بنیان مورد استنتاج قرار گرفت.

یافته‌ها

۳-۱- ساختار مفهومی علوم انسانی اسلامی

الف) مفهوم‌شناسی علوم انسانی

با توجه به وجود تعاریف متعددی از علم و رشته علمی ارائه تعریف دقیق از علوم انسانی دشوار است. این دشواری زمانی افزوده می‌شود که بدانیم در تعریف علم به عنوان مجموعه مسائلی که حول یک محور واحد است رویکردهای متعددی از جمله رویکردهای مبتنی بر موضوع، غایت، مسئله و روش وجود دارد و هر یک از این رویکردها نیز با توجه به دیدگاه تعریف کننده دارای تفاوت است. دیدگاه

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۰

معرفت شناسانه فرد در تعریف علوم انسانی تا آنجا دخالت دارد که می‌تواند علوم انسانی را به دلیل غیر تجربی بودن از حیطه علم ساقط نماید (شریفی، ۱۳۹۵: ۸۴). همچنین نادیده گرفتن بعد توصیه‌ای و تجویزی علوم انسانی و لزوم عینیت و توصیف روابط میان پدیده‌ها در اطلاق علم موجب سردرگمی در ارائه تعریف دقیق از علوم انسانی شده است.

با توجه به آنچه گفته شد تعاریف علوم انسانی را می‌توان در دو دسته جای داد؛ یک، تعریف عام: علوم انسانی، عمومی است که به مطالعه انسان می‌پردازد؛ اعم از این که با روش تجربی یا عقلی یا نقلی یا شهودی به دست آید. علوم انسانی فلسفی، شهودی عرفانی، نقلی - دینی و تجربی در این تعریف جای دارند. دو، تعریف خاص: علوم انسانی، عمومی است که با روش عقلی و تجربی، درصدد شناختن افعال انسانی است؛ اعم از این که این افعال، فردی یا جمعی، آگاهانه یا ناآگاهانه باشند. علوم انسانی در این تعریف، معارفی هستند که موضوع تحقیق آنها فعالیت‌های مختلف بشر است؛ یعنی فعالیت‌هایی که متضمن روابط افراد با یکدیگر و روابط این افراد با اشیا و نیز آثار، نهادها و مناسبات ناشی از این‌هاست. (فروند، ۱۳۶۲: ۳) به نظر می‌رسد در این تعریف تنها به برخی از روابط انسانی اشاره شده و از این جهت دچار کاستی است زیرا علوم انسانی مربوط به انسان یا واقعیت انسانی است و باید تمامی ساحت‌های وجودی انسان را مورد توجه قرار دهد (دیلتای، ۱۳۸۹: ۱۶۲)

برخی دیگر علوم انسانی را دانش‌هایی دانسته‌اند که دربردارنده گزاره‌های «توصیفی»، «تکلیفی» و «تجویزی» ناظر به انسان، تظاهرات وجودی و رفتارهای فردی و جمعی باشد که به مطالعه خصلت‌ها و رفتارهای انسان در تمامی ابعاد پرداخته و در تربیت انسان و مدیریت جامعه به سوی کمال و سعادت

آن، نقش اساسی دارند. به بیان دیگر علوم انسانی، علمی است که درباره کنش‌های انسان- اعم از فردی و اجتماعی- و آثار و پیامدهای آن بحث می‌کند (علی تبار به نقل از پارسانیا ۳۴: ۱۳۹۴)

البته باید توجه داشت برخی تعاریف علوم انسانی ناظر به تعریف مصداقی و برخی دیگر ناظر به تعریف کارکردی از علوم انسانی است. با توجه به ویژگی‌های علوم انسانی شامل وابستگی به فرهنگ، معناداری، اختیاری بودن، همسویی با نیازها، قرار گرفتن در موقعیت‌های زمانی و مکانی و تاثیرپذیری از پی آمدها نمی‌توان ادعا کرد که بتوان تعریف دقیق جامع و واقع بینانه از علوم انسانی ارائه داد. اما از میان تعاریف علوم انسانی تعریف «علم توصیف، تبیین، تفسیر و پیش‌بینی و نهایتاً تقویت، اصلاح و تغییر کنش‌های انسانی» دقیق‌تر از بقیه تعاریف به نظر می‌رسد زیرا اولاً ناظر به دانش‌هایی است که به صورت گزاره‌ای در علوم انسانی مطرح شده و ثانیاً به چرایی وقوع پدیده‌ها پرداخته و تحلیل علی، تفسیری و کارکردی علوم انسانی را مد نظر قرار داده و ثالثاً کنش‌های ظاهری و حالات درونی و نهفته انسان و مقدمات ایجاد آن را مورد توجه قرار داده است.

اطلاق علم در این تعریف موجب می‌شود که علمی همچون فلسفه و الهیات را که به بحث از احکام کلی هستی می‌پردازند را به دلیل در بر گرفتن قوانین کلی حاکم بر مصداقی جزئی شامل شود. هرچند در این تعریف موضوع، غایت، هدف، روش و کارکردهای علوم انسانی مغفول مانده است (شریفی، ۱۳۹۵: ۸۹ و ۹۰)

ب) نقش دین در علوم انسانی

مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۱

تاثیر باورهای دینی در علوم انسانی غیر قابل انکار است. به دیگر سخن هر نگاهی که به دین وجود داشته باشد در نوع جهت‌گیرها در حوزه علوم انسانی تأثیرگذار است. هر نوع داوری درباره دین، تأثیر مستقیم یا غیرمستقیم در نوع تلقی ما از علوم انسانی خواهد داشت. اگر اعتقاد به جدایی دین از دین و اجتماع وجود داشته باشد و مبنایی مبتنی بر نگاه حداقلی به دین و دخالت آن تنها در امور فردی و اخروی وجود داشته باشد کاهش تاثیر دین در امور اجتماعی و علمی را منجر شده و تحقق علوم انسانی

اسلامی نیز با این نگاه تقریباً بی‌معنا، نامطلوب یا ناممکن خواهد بود. (علی تبار، ۱۳۹۴: ۴۲)) به تعبیر دیگر اعتقاد به محور بودن انسان در جهان هستی، علم پرستی، اعتقاد به بسندگی عقل، نسبی‌انگاری حقیقت و واقعیت، سنت ستیزی و تجددگرایی، فردگرایی ریشه در وجود باورهای مادی‌گرایانه در علوم انسانی دارد (علی تبار به نقل از ویلسون، ۱۳۹۴: ۳۴) همچنین اعتقاد به جدایی دین از دنیا و انفکاک قلمرو دینی از قلمرو دنیوی خاستگاه سکولاریسم داشته و منجر به حذف دین از عرصه علوم انسانی خواهد شد.

در پاسخ به چستی علوم دینی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد؛ عده‌ای می‌گویند منظور از علوم اسلامی، علمی است که در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی تکون و توسعه یافته باشد؛ برخی معتقدند علمی که هدف آن، تبیین کتاب و سنت باشد، علم دینی است؛ گروهی قائل‌اند اگر مسائل علم در چارچوب جهان‌بینی اسلامی تفسیر شوند، آن علم دینی و اسلامی است؛ کسانی می‌گویند علمی که در خداشناسی و رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی اسلامی مؤثر باشد، دینی است (گلشنی، ۱۳۷۷: ۱۲۸) و برخی علم دینی را علمی می‌دانند که نخست پیش فرض‌های متافیزیکی علم از جهان‌بینی دینی متأثر باشد و دوم در جهت‌گیری و کاربردهای علم مؤثر باشد (همان، ۱۵۱). بنابر تعاریف فوق می‌توان گفت مراد از علم دینی علمی مبتنی بر آموزه‌های دین و نافع در وصول انسان به هدف غایی زندگی و پاسخگو به نیازها و برطرف‌کننده معضلات موجود در جامعه است.

### ۳-۲- اهداف علوم انسانی

در بیان اهداف علوم انسانی باید دانست که «هدف» چیزی است که کنش‌گر فعل اختیاری خود را برای وصول به آن انجام می‌دهد. البته هدف خود می‌تواند معلول اهداف مختلف دیگری باشد. از نظر فلسفی و روان‌شناسی هدف نهایی همه کنش‌های انسانی «حب ذات» است. «حب ذات» موجب می‌شود همه کنش‌های انسانی با انگیزه نشان دادن توانمندی‌ها و رفع نقص به منصف ظهور برسد (شریفی به نقل از مصباح، ۱۳۹۵: ۱۰۳)

در بیان اهداف علوم انسانی توجه به این مقدمه ضروری است که علوم انسانی جدید که در غرب گسترده شده، دارای ماهیتی نامعلوم و مشکوک است و به سبب ترسیم تصویر نادرست از انسان هدف واقعی خود را گم کرده است. درحقیقت آنچه امروزه در غرب به عنوان علم شناخته می‌شود، ملغمه‌های از عناصر فلسفی و شناخت‌شناسی یونان، مبانی تعلیم و تربیت و اخلاق و زیباشناختی روم، عناصر قانونی و سیاستمداری و حکمرانی یهودیت و مسیحیت، عناصر ایمان دینی اقوام آلمانی و غیره می‌باشد که امروزه در مغرب زمین به اوج خود رسیده است. (خسروپناه به نقل از عطاس، ۱۳۹۲: ۸۴) به طور نمونه نیچه معتقد است انسان آن هنگام انسان است که به حیوانیت او توجه شود و عقل و نطق نیز باید در خدمت حیوانیت بشر و ارضای نیازهای حیوانی او باشد.

مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۲

ارزشها و جهان بینی برآمده از تمدن غربی، ثبات و استقرار نداشته و دائماً در حال تجدیدنظر است. ارزشهای مطلق انکارشده و ارزشهای نسبی مورد تصدیق قرار گرفته است. دانش تا آنجا معتبر است که رخدادهای طبیعی و ارتباط آنها با یکدیگر را تفسیر کند و هدفش، توصیف و سازماندهی هر آن چیزی است که در طبیعت رخ می‌دهد و تنها نیروهای طبیعی منشأ و واقعیات مورد پذیرش و جست‌وجو هستند. این امر باعث بروز تنشها و تضادهایی درونی و البته سرنوشت ساز در روح انسان غربی شده و حاصل این تضادهای بی‌پاسخ، دوگانگی‌های عمیق در وجود انسان امروزی غربی است. آنچه ذات تشنه انسان غربی می‌جوید حقیقتاً به دست نمی‌آید و آنچه کشف می‌شود هرگز واقعا او را قانع نمی‌کند. (همان)

هدف اول علوم انسانی ایجاد معناگرایی در زندگی است هرچند بسیاری از اندیشمندان غربی علوم انسانی را با این هدف تولید نمودند ولی به علت فقدان دو منبع عظیم قرآن کریم و سنت نتوانسته‌اند به آنچه مورد نظرشان بوده است برسند. برای مثال «هایدگر» در آثار خود نشان می‌دهد که «وجودشناسی» بنیادی برای او شرط اساسی تعریف معنای کل هستی و از جمله معنای زندگی انسانی است. انتقاد او نسبت به دنیای غرب زده اکنون این است که در آن خدایان وجود ندارند و این موجب رخت برپستن

معنای زندگی انسان مدرن شده و انسداد عالم تعالی و سعادت حقیقی را در پی دارد (پروتی، ۱۳۷۳):  
۱۳۶ و ۱۳۷) بنابراین هرچند اندیشمندانی مانند «هایدگر» به خسران نبودن خدا در دنیای غرب پی برده است ولیکن ایشان و دیگران به دلیل محرومیت از کتاب کریم و سنت آل‌البیت (ع) در ارائه تئوری خویش موفق نشدند زیرا عدم توجه کافی «هایدگر» به خداوند به عنوان عنصر معنادهنده به زندگی، او را در نظریه معنی‌داری زندگی عقیم گذاشته است.

هدف دوم علوم تولید نظریه و تئوری و براساس آن تدبیر و بهسازی وضعیت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، حقوقی، امنیتی دانست. این هدف غالباً با توجه به جنبه‌های مادی و دنیوی انسان شکل می‌گیرد.

هدف سوم علوم انسانی کمی‌سازی رفتار انسان است. علوم انسانی مدرن به‌خصوص علوم دقیقه و علوم کاربردی علاوه بر کمی‌سازی رفتار انسان تلاش می‌کنند تا برای تغییر رفتار انسان یا رفتار اجتماعی معادله ارائه دهند، این معادلات غالباً مبتنی بر مبانی و غایات غرب است و «انگیزه‌های نا صواب آنها» با «انگیخته» ترکیب شده است. علوم انسانی مدرن، علومی حامل مبانی و ارزشهای غربی هستند و توجهی به وجود همه‌جانبه انسان ندارند.

هدف چهارم علوم انسانی توسعه آگاهی‌ها است. به تعبیر دیگر می‌توان گسترش دانش را هدف عام علوم انسانی دانست.

هدف پنجم علوم انسانی مشاهده و درک الگوهای کلی رویدادها و روابط بین آنها است.

هدف ششم علوم انسانی فهم اعتبارات، معانی و انگیزه‌های نهفته در کنش‌های مختلف انسان می‌باشد. این هدف موجب پیش‌بینی رفتارهای انسان شده تصرف مهار، اصلاح، هدایت و جهت دهی آن را ممکن می‌سازد.

هر یک از اهداف چهارگانه‌گانه فوق می‌تواند با انگیزه کسب سود، بدست آوردن قدرت و رسیدن به رفاه و کسب لذت باشد. اهداف زمینی که در همین دنیا محقق می‌شود.

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۳

### ۳-۳- اهداف علوم انسانی قرآن بنیان

علوم انسانی قرآن بنیان دارای هویتی و حیانی است و به انسان در این علوم به عنوان محور تعالی و نه محور توسعه نگریسته می شود. ریشه های معرفت شناختی علوم انسانی قرآن بنیان روش ترکیبی از حسی، عقلی و شهودی ذیل ولایت وحی است. (جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱/ ۲۲) و حیانی بودن این منبع سبب می شود که در تولید علوم انسانی تنها آراء و نظریه ها در جهت محقق شدن اهداف دنیوی تولید نشوند.

با توجه به آنچه گفته شد اهداف علوم انسانی قرآن بنیان را می توان در دو هدف غایت مدارانه و شش هدف میانی بر شمرد:

### ۳-۳-۱- اهداف غایت مدارانه علوم انسانی قرآن بنیان

اهداف غایت مدارانه علوم انسانی قرآن بنیان شامل قرار گرفتن انسان در مسیر کمال و سعادت و تقرب به خداوند است.

#### الف) قرار گرفتن انسان در مسیر کمال و سعادت

از آنجا که انسان با مرگ نابود نمی شود و اعمال او در این دنیا در کیفیت زندگی اخروی او تاثیرگذار است نمی تواند نسبت به آخرت بی اعتنا باشد و باید اعمالش را چنان تنظیم و طرح ریزی کند تا علاوه بر سعادت دنیوی، به سعادت اخروی نایل گردد. به ویژه اینکه زندگی اخروی، برخلاف زندگی دنیوی، حیاتی جاودانه و ابدی است. خداوند زندگی آخرت را در آیه ۱۷ سوره اعلی «والاخره خیر و ابقى» بهتر و پایدارتر معرفی کرده و در سوره قصص آیه ۶۰ «وَمَا أُوتِیْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ زینتُهَا وَ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَیْرٌ وَ اَبْقٰی» تاکید می کند که «آنچه به شما داده شده متاع زندگی دنیا و زینت آن است و آنچه نزد خدا است بهتر و پایدارتر است آیا اندیشه نمی کنید» و در سوره نساء آیه ۷۷ «قُلْ مَتَاعُ الدُّنْیَا قَلِیْلٌ وَ الْاٰخِرَةُ خَیْرٌ لِّمَنْ اَتَّقٰی» صریحا متاع دنیوی را در مقایسه با آخرت اندک معرفی می فرماید.

بنابراین هدف علوم انسانی قرآن بنیان قرار گرفتن انسان در مسیری است که سعادت دنیوی و اخروی او را تضمین کند از این رو بی‌اهمیت بودن به حیات اخروی و توجه به دنیا و زینت آن شقاوت جاودانه را برای انسان در پی خواهد داشت البته توجه به حیات اخروی به معنای بی‌توجهی به زندگی در دنیا نیست بلکه بدین معناست که به هنگام وجود تعارض بین سعادت دنیوی و اخروی بر خلاف دیدگاه انسان‌های مادی‌گرا که سعادت خود را در بهره‌برداری هر چه بیشتر از اندوخته‌های مادی می‌بینند، سعادت آخرتی خود را بر سعادت دنیوی خویش برتری دهد.

ب) تقرب به خداوند

انسان از آنجاکه خود را دوست دارد، سعادت و کمالی را می‌طلبد که بی‌نهایت، ابدی و مطلق باشد. بنابراین هدف علوم انسانی قرآن بنیان حرکت به سوی کمال نهایی و کمال مطلق انسانی است.

اما طبق مبانی هستی‌شناختی برگرفته از منابع عقل و وحی مصداق حقیقی کمال مطلق «ذات خداوند» باری تعالی است و از این رو انسان که کمال مطلق را می‌طلبد، در حقیقت وصول و نزدیکی به خداوند متعال را طالب است. بدین خاطر علامه، به عنوان یک متفکر اسلامی، تقرب الهی را غایت قصوای حرکت تکاملی انسان معرفی می‌کنند. (ساجدی: ۱۳۹۵ / ۱۸۴) انسان از آنجاکه مخلوق خداوند تعالی است و در سیر تکاملی خود رو به سوی او دارد، باید همه توجه خود را معطوف به هدف نزدیکی به خداوند

مجموعه مقالات روش‌شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۴

کند و اهداف دیگر خود را در راستای این هدف نهایی قرار دهد. البته این قرب در سایه بندگی خداوند به وقوع می‌پیوندد و در علوم انسانی قرآن بنیان هدف تقرب خدا با عبودیت خداوند همراه است.

۳-۲- اهداف میانی علوم انسانی قرآن بنیان

اهداف میانی علوم انسانی قرآن بنیان شامل رشد بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان، کیفی‌سازی رفتار انسان در جهت کسب رضای خداوند، تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود،

رابطه با دیگران، تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس، حاکم کردن بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی و رفاه و پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه است.

رشد بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان

خداوند انسان را آفرید و از روح خود بر آن دمید. سخن خداوند «إِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر: ۷۲) «پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم در برابر او به سجده در افتید» بیانگر این واقعیت است که انسان گرچه از نظر «بعد مادی» از «خاک تیره» و یا از «آب بی‌مقداری» آفریده شده اما در «بعد معنوی و روحانی» حامل «روح الهی» است.

هدف علوم انسانی قرآن بنیان توجه به بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان علاوه بر بعد جسمانی او است. در بعد شناختی باید توجه داشت که «علم» یکی دیگر از واژه‌های مهم در قوای شناختی انسان است. «علم» به مجموعه‌ای از معلومات و دانش‌هایی اشاره دارد که به صورت اکتسابی و از طریق مجرای حواس پنج‌گانه و یا حضوری و خارج از مجاری مادی وارد ذهن و عقل انسان می‌شود. (زارع و نیک صفت، ۱۳۹۰: ۷۲) در روایات «العلم مصباح العقل»، «العلم نعم الدليل»، «العلم أشرف الأحساب»، «العلم ضالة المؤمن»، «لا كثر أنفع من العلم» و «لا شرف كالعلم» (ری شهری، ۱۳۸۸: ۲ / ۸۷۲) این نکته آشکار می‌کند که دانش، چراغ خرد است، راهنمایی نیکو، شریفترین شرافت خانوادگی و گمشده مؤمن است و هیچ‌گنجی، سودمندتر از دانش و هیچ شرافتی مانند آن نیست. تا آنجا که امام علی (علیه السلام) دانش را «حیات» معرفی نموده و می‌فرماید «العلم حياة» (همان).

در اهداف علوم انسانی قرآن بنیان توجه به این نکته حائز اهمیت است که بر اساس روایات معصومین (ع) باید نتیجه علم خالص گردانیدن عمل برای خداوند، عمل نیکو، بیم از پروردگار، آرامش و بردباری باشد. سخنان امام علی (ع) «ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ» (ری شهری، ۲: ۱۳۸۸ / ۸۷۳)، «غَايَةُ الْعِلْمِ الْخَوْفُ مِنَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ» (ری شهری، ۱۴۳۲ / ۵۷) «غَايَةُ الْعِلْمِ حُسْنُ الْعَمَلِ» (ری شهری، ۱۴۳۲ / ۶۱) و «غَايَةُ الْعِلْمِ السَّكِينَةُ وَالْحِلْمُ» (ری شهری، ۱۴۳۲، ۶۱۰) ناظر به این مهم است. به دیگر سخن اگر خروجی علوم انسانی باعث آن نشد که انسان عمل خود را برای خداوند خالص گرداند و عمل نیکو

انجام دهد و از گناه پرهیز نموده و به آرامش و بردباری برسد به اهداف علوم انسانی قرآن بنیان نائل نشده است.

بنا بر آموزه‌های قرآنی یکی از واژه‌های مهم در قوای شناختی انسان «قلب» است که کاربرد آن در قرآن با قلب مادی تفاوت بوده و ناظر به جنبه‌های روانی، اخلاقی و معنوی انسان است. زندگی انسان در نخستین مرحله‌اش به قلب تعلق می‌گیرد و در آخرین مراحل نیز از قلب جدا می‌شود. بر این اساس، آیات فراوانی وجود دارد که در آنها «حیات و ممات» (محمد / ۲۰)، «بیماری و مرض» (بقره / ۱۰)، «صحّت و سلامت» (شعراء / ۹۸) به قلب نسبت داده شده است. علاوه بر وظیفه اصلی حیات قلب، بیشترین کاربردهای قلب در قرآن، ویژگی‌های احساسی، عاطفی و هیجانی است. این بعد از ابعاد وجودی انسان، او

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۵

را برای انجام کاری، تشویق یا برای ترک عملی، ترغیب و تحریک می‌کند. (زارع و نیک صفت: ۱۳۹۰ / ۷۵)

امام صادق (علیه السلام) قلب را به عنوان حرم خدا معرفی کرده و می‌فرماید «القلبُ حَرَمُ اللَّهِ، فلا تُسْكِنُ حَرَمَ اللَّهِ غَيْرَ اللَّهِ» (ری شهری، ۱: ۱۳۸۸ / ۲۹۱) علامه طباطبایی، آثار و خواصی مانند

راده، عشق، نفرت، بیم، امید، خوف، رجا، میل، علاقه، لذت، شادی از جمله مفاهیمی‌اند که به عنوان مفاهیم عاطفی و کاربردهای محتوایی قلب در انسان به آنها اشاره شده است. (زارع و نیک صفت به نقل از طباطبایی: ۱۳۹۰ / ۷۵)

در اهداف علوم انسانی قرآن بنیان در بعد عقلانی جالب آن است که بدانیم انسان هم در «مستقلات عقلیه» که موضوعاتی است که عقل قادر به فهم آن است و هم در «غیرمستقلات عقلیه» که عقل قادر به درک و فهم آن نیست به قرآن نیازمند است. درک درست از مفاهیم آیات قرآن نشان می‌دهد که انسان حتی در معرفت به خودش نیز به قرآن نیازمند است. سخن خداوند «وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ»

(ق/ ۱۶) بیانگر آن است که خداوند به عنوان خالق انسان از شاهرگ آدمی به او نزدیک‌تر است و از وسوسه‌های نفس او آگاهی دارد.

توجه به چنین دلالتی نشان می‌دهد که انسان در شناسایی صحیح مقصد و اختیار مسیر نیز به قرآن نیازمند است و بدون استعانت از قرآن نمی‌تواند هدف و مقصد نهایی خود را بشناسد. افزون بر آن عقل به تنهایی و بدون استعانت از قرآن قادر به شناخت اسوه‌های حیات نیست از همین روی خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب رسول خدا (ص) را برای کسانی که به خدا و روز قیامت امیدوار باشند و خدا را بسیار یاد کنند، الگوی نیکو معرفی نموده و می‌فرماید «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا».

کیفیت‌سازی رفتار انسان در جهت کسب رضای خداوند

انسان در خود، کشش‌های متعددی می‌یابد که جهت‌گیری برخی به سوی کمال و برخی دیگر به سوی سقوط و انحطاط بشر به سوی پلیدی‌هاست. آدمی برای آن که راه خودشکوفایی را در پیش گیرد و در جهت هدف آفرینش خویش گام بردارد، باید گرایش‌های متنوع و متضاد در وجود خویش را به خوبی شناخته و آن را در جهت کسب رضای خداوند قرار دهد و با مراقبت از خواسته‌ها و رفتارها خود را از گرفتار شدن در چنگال هوای نفس و رفتارهای ناصواب برهاند. رسالت علوم انسانی قرآن بنیان کیفیت‌سازی رفتار انسان تا وصول او به انسان مطلوب و به دست آوردن حیات طیبه است. در سخن خداوند «وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَ مَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ وَ رِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

(توبه/ ۷۲) پروردگار به مردان و زنان مؤمن، بهشت‌هایی وعده داده که در آنها جویبارها روان است و در آنها جاویدان‌اند، و سراهایی پاکیزه را در بهشت‌های جاودان، و خشنودی خدا، بزرگ‌تر است. این است همان کامیابی بزرگ».

تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران

در علوم انسانی قرآن بنیان باید گزاره های دینی را در قرآن سنت عقل و اجماع و در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران شناسایی و تحلیل کرد و براساس آن الگویی از

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۶

ساحت های وجودی انسان را ترسیم نموده و قوانین حاکم بر او را کشف کرد، بر پایه آنچه گفته شد که هدف غایی علوم انسانی اسلامی قرار گرفتن بشر در مسیر کمال و سعادت در تمامی شئون حیات انسانی - اعم از فردی، اجتماعی، خانوادگی و در ابعاد دنیوی و اخروی است باید دریافت که دسترسی به این هدف در گرو تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران است. (علی تبار، ۱۳۹۴: ۴۳)

تقویت ایمان، تهذیب و تزکیه نفس

تقویت ایمان، تزکیه نفس و پاک سازی درون از اخلاق ناپسند، یکی از مهمترین اهداف میانی علوم انسانی قرآن بنیان محسوب می شود. تزکیه نفس، رشد انسان را در کلیه ابعاد اعم از معرفتی، اعتقادی و اخلاقی بدنبال دارد و غفلت از آن مانعی بر سر راه رسیدن به کمال و سدی در مقابل دریافت برکات معنوی و مادی الهی محسوب می گردد. در علوم انسانی قرآن بنیان زدودن حجاب های گناه و رذایل اخلاقی با پاک سازی نفس، محاسبه، مراقبه، زدودن دل از خواهش های نفسانی و صفات ناپسند و تحکیم باورهای دینی و اهتمام به معرفت خداوند جایگاه مهمی دارد و انسان را به سوی کمال و تعالی سوق می دهد.

تزکیه از ریشه «زکو» در لغت به معانی گوناگونی به کار رفته است از جمله: پیراستن، تطهیر، نمو، رشد، افزایش و پرورش دادن است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۴ / ۳۵۸) کلمه «تزکیه» مصدر باب تفعیل و ثلاثی مجرد آن «زکات» به معنای نمو صالح است، نموی که ملازم و خیر و برکت باشد. (طباطبائی، ۱۴۰۳: ۱۹ / ۴۴۷) این واژه در اصل دارای چند معنا است ولی متخصصان تعلیم و تربیت و علمای اخلاق و عرفان به یک بعد معنایی آن توجه کرده و آن را مترادف با واژگان «تربیت» یا «تهذیب» گرفته اند. این واژه هم حامل معنای پاک سازی و تطهیر از عیوب و نواقص، و هم دارای بار معنای رشد و فزونی است

که علاوه بر عرصه‌های جسمانی سایر عرصه‌های وجودی آدمی را در بر می‌گیرد. تزکیه در عرفان پاک کردن درون از آلودگی‌ها و بیرون کردن دوستی دنیا از دل (شهیدی، ۱۳۶۲: ذیل مدخل تزکیه) و در اخلاق به معنای تطهیر و پاک‌سازی نفس از اخلاق ناپسند و آلودگی‌های اخلاقی، به منظور گام برداشتن در جهت فضائل اخلاقی است که در نهایت موجب کمال و سعادت واقعی انسان در دنیا و آخرت می‌شود.

صورت‌های گوناگون تزکیه در قرآن ناظر بر معنای عام دور ساختن غیرحق از حق و نیز ناپاکی از پاکی است (مصطفوی، ۱۳۶۰: ذیل «زکو») که شامل پالودن نفس از گناه و خویهای ناپسند (شمس / ۹ و نور / ۲۱) و پالایش مال از چیزهای حرام و فاسد است (بقره / ۴۳، ۸۳، ۱۱۰؛ نساء / ۱۶۲؛ توبه / ۷۱) و در برخی موارد در معنای مدح بکار رفته (نجم / ۳۲؛ نساء / ۴۹) که مدح نفس همان پاکیزه نشان دادن آن است. (قرشی، بی تا: ۳ / ۱۶۹) قرآن تزکیه را نیز مانند سایر فضایل انسانی، لطفی الهی می‌داند که حصول آن، بدون اراده پروردگار ممکن نیست (نساء / ۴۹؛ نور / ۲۱) در کاربرد قرآنی، گاه تزکیه با خداوند و انبیاء (علیهم السلام) و به طور اخص با رسول خدا (صلی الله و علیه و آله) و گاه با بندگان مرتبط است.

براساس آموزه‌های روایی، آلودگی نفس به عنوان مانعی برای انسان در راه رسیدن به کمال و سدی در مقابل دریافت برکات الهی اعم از معنوی و مادی است و در عوض تزکیه و طهارت نفس باعث جلب رحمت خداوند و قرار گرفتن در عرش ذات اقدس باری تعالی است. (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲ / ۲۷۵؛ مجلسی، ۱۳۹۷: ۲۹ / ۲۵۸)

در علوم انسانی قرآن بنیان بارور کردن استعدادها و رشد دادن فضایل و کرامات اخلاقی وجود انسان را

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۷

خدایی نموده و او را به کمال نزدیک می‌سازد و باعث می‌گردد انسان به مقصود نهایی خود که قرب الهی است نزدیک شود.

حاکم کردن بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی

بر اساس توحید در ربوبیت تشریحی، همه هستی از آن خداوند است و وحدت فرماندهی تنها شایسته ذات اقدس الهی است. هر قانون باید به پشتوانه امضای الهی و اجازه الهی رسمیت یابد و هیچ کس در این عالم به صورت بالاصاله متصدی کار تدبیر عالم نیست.

هدف علوم انسانی قرآن بنیان ایجاد آگاهی و ایجاد گرایش در جهت حاکمیت بینش توحیدی در تمامی عرصه‌های زندگی است. به علت ارتباط میان بینش و گرایش‌ها بینش را می‌توان مقدمه‌ای بر گرایش دانست به دیگر سخن تا شناخت توحیدی نباشد گرایش به حاکمیت بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی ایجاد نمی‌شود لذا زمانی که شناخت و گرایش تومانی وجود داشته باشد می‌توان به هدف علوم انسانی قرآن بنیان که حاکمیت بینش توحیدی است دست یافت. سخن خداوند «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» (حدید/ ۳) «اوست اول و آخر و ظاهر و باطن و او به هر چیزی داناست» و نیز «وَمَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» (لقمان/ ۲۲) «و هر کس خود را در حالی که نیکوکار باشد تسلیم خدا کند قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ‌زده و فرجام کارها به سوی خداست» و نیز سخن خداوند «وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ» در سوره بقره آیه ۲۱۰ و عمران آیه ۱۰۹ همگی نشان از این بینش توحیدی دارد.

رفاه و پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه

بی‌تردید بدن مادی اقتضائات مادی و روح مجرد دارای اقتضائات متناسب با خود است. انسان به دلیل داشتن زندگی مادی و جسمانی، نیازمند امکانات مادی برای امرار معاش و گذران زندگی است که بدون برخورداری از حداقل‌هایی از امکانات رفاهی مادی، نمی‌توان حصول کمالات معنوی و متعالی را نیز در مورد او امید داشت. بنابراین هدف علوم انسانی قرآن بنیان توجه به هر دو جنبه انسان شامل برخورداری از امکانات رفاهی مادی و اقتضائات روحی و معنوی به طور تومانی است.

در علوم انسانی قرآن بنیان علم نقش اول را در رشد اقتصادی ایفا می‌کند. سخن معصوم (ع) «خَيْرُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْعِلْمِ، وَشَرُّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْجَهْلِ» نشان می‌دهد که خیر دنیا و آخرت، با علم تأمین می‌شود؛ و شر دنیا و آخرت آمیخته جهل است. همچنین روایت «لَا فِقْرَ مَعَ حُسْنِ تَدْبِيرٍ» حاکی از آن

است که اگر تدبیر نیکو باشد، فقر وجود نخواهد داشت افزون بر آن حدیث «سوءُ التَّدبیرِ مِفْتَاحُ الْفَقْرِ» حاکی از آن است که برنامه ریزی نادرست، کلید فقر است.

البته باید توجه داشت که هدف علوم انسانی قرآن بنیان در رسیدن به رفاه و پیشرفت مادی و معنوی مقدمه‌ای برای رشد استعدادهای انسانی برای رسیدن به کمال مطلق است. با همین رویکرد هدف علوم انسانی قرآن بنیان را نیازمند تحقق رفاه فراگیر در جوامع است تا افراد آن قادر به ارتقای شاخصه‌های معنوی، همچون ایمان و اخلاق و اعمال صالح گردند. سخن خداوند «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ» (اعراف/ ۹۶) اشاره به این امر دارد که اگر مردم آبادی‌ها ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، خداوند برکات را از آسمان و زمین بر آنان می‌گشود. همچنین قول خداوند «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا \* يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا \* وَ يُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَ بَنِينَ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۸

جَنَاتٍ وَ يُجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح / ۱۲ - ۱۰) «از پروردگارتان آمرزش بخواهید؛ که او همواره آمرزگار است \* تا آسمان رای بر شما بارنده فرستد \* و شما رای به مال‌ها و پسران یاری کند و به شما بوستان‌ها دهد و برایتان جوی‌ها پدید آورد.» ناظر به ارتباط میان بهره‌مندی‌های مادی و مولفه‌های معنوی است.

نتیجه‌گیری:

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۵۹

اهداف علوم انسانی موجود برگرفته از افکار مسلط بر جامعه غرب است و عنصر حس‌گرایی و تجربه‌گرایی بر آن غلبه دارد و پاسخگوی نیازهای امروز بشر نیست و نمی‌تواند انسان را به تعالی و سعادت دنیوی و اخروی برساند، از این رو باید مسیر تحول را در پی گیرد و با اتکاء به آموزه‌های وحیانی و ارزش‌های اسلامی اهداف خود را باز تولید نماید. تعیین اهداف علوم انسانی قرآن‌بنیان در هر سطح تحقیق حاجتمند نظریه‌پردازی و بنیان معرفت‌شناختی است و برای عملیاتی کردن آن بازخوانی و

در پرتوی آن نظریه‌پردازی در عرصه علوم انسانی قرآن بنیان ضرورتی انکارناپذیر است. بر پایه این ایده‌پردازی‌ها برنامه راهبردی و الگوی جامع علوم انسانی قرآن بنیان طراحی می‌شود. هرچند اهداف میانی

مانند رشد بعد شناختی، عاطفی و عقلانی انسان، کیفی‌سازی رفتار انسان در جهت کسب رضای خداوند، تنظیم روابط انسان در سه سطح رابطه با خدا، رابطه با خود، رابطه با دیگران، تقویت ایمان و اعتقاد اسلامی، تهذیب و تزکیه نفس، حاکم کردن بینش توحیدی در عرصه‌های زندگی فردی و اجتماعی و رفاه و پیشرفت مادی و معنوی فرد و جامعه در علوم انسانی قرآن بنیان نقش حائز اهمیتی دارد اما همه آنها در راستای اهداف غایی قرار گرفتن انسان در مسیر کمال و سعادت و تقرب به خداوند معنای واقعی خود را پیدا می‌کند و رفتارها، کنش‌ها و علایق ما را تحت تاثیر خود قرار می‌دهد. ترسیم نقشه جامع علوم انسانی

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۶۰

قرآن بنیان به سهولت ممکن نیست و نیازمند تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به علوم انسانی مبتنی بر آموزه‌های قرآن است شکل‌گیری نظام انسان‌شناسی و انسان بایسته و مطلوب، شکل‌گیری حیات طیبه و معقول و تحقق تمدن اسلامی بر پایه تولید

...

علوم انسانی قرآن بنیان شکل می‌گیرد.

پیشنهادها

۱. تدوین نقشه جامع علوم انسانی قرآن بنیان؛

۲. تبیین نظری و کارآمد چارچوب‌ها، اهداف و الگوهای ناظر به علوم انسانی قرآن بنیان؛

۳. بهره مندی توامان از آموزه‌های قرآن و روایات معصومین (ع).

مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ص: ۸۶۱

منابع

قرآن کریم

۱. ابن بابویه، محمد (۱۳۷۸)، عیون اخبارالرضا، چاپ مهدی لاجوردی، تهران.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵)، لسان العرب، نشر ادب حوزه، قم.

۳. پروتی، جیمز (۱۳۷۳)، الوهیت و هایدگر، ترجمه محمدرضا جوزی، تهران، انتشارات حکمت.

۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، فصلنامه اسراء، قم، مؤسسه بین المللی معارف و حیانی.

۴. شهیدی، جعفر، (۱۳۶۲) فرهنگ معارف اسلامی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.

۵. طباطبائی، سید محمدحسین، (۱۴۰۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت.

۶. فروند، ژولین، (۱۳۸۵)، نظریه‌های مربوط به علوم انسانی، ترجمه علی محمد کاردان، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، چ سوم.

۷. قرشی، سید علی اکبر، (بی تا)، قاموس قرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۸. گلشنی، مهدی، (۱۳۷۷)، از علم سکولار تا علم دینی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران.

۹. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۷)، بحارالانوار، دارالکتب الاسلامیه، تهران.

۱۰. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، منتخب میزان الحکمة، تلخیص حمید حسینی، مترجم حمیدرضا شیخی، موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم.

۱۱. محمدی ری شهری، محمد (۱۴۳۲)، العلم و الحکمة فی الكتاب و السنة، سازمان چاپ و نشر موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، قم.

۱۲. مصطفوی، حسن (۱۳۶۲)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران.

#### مقالات

۱. تحلیل مفاهیم شناختی و عاطفی انسان در آموزه‌های اسلام، زارع، حسین؛ نیک صفت، ابراهیم (۱۳۹۰)، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۴۶.

۲. مبانی حکمی علم دینی از دیدگاه محمد نقیب العطاس حکمت و فلسفه، خسروپناه، عبدالحسین (۱۳۹۲). «مجله حکمت و فلسفه، سال نهم، شماره ۲.

۳. مبانی دین شناختی علوم انسانی اسلامی و برآیند روش شناختی آن، علی تبار، رمضان (۱۳۹۴)، قبات، سال ۲۰، شماره ۷۶.

۴. ویژگی‌های موضوع علوم انسانی و دلالت‌های روش شناسانه و غایت شناسانه آنها، شریفی، احمدحسین (۱۳۹۵)، معرفت فلسفی، سال سیزدهم، شماره سوم،

۵. هدف علوم انسانی اسلامی از منظر علامه طباطبائی، ساجدی، ابوالفضل (۱۳۹۵)، معرفت فلسفی، شماره ۵۳.<sup>۲</sup>

---

<sup>۲</sup> کنگره بین المللی قرآن و علوم انسانی (۱۳۹۶: قم)، مجموعه مقالات روش شناسی قرآن و علوم انسانی، ۱ جلد، جامعه المصطفی العالمیه - قم - ایران، چاپ: ۱.